

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
خلاصه گزارش مطالعات موردی

زمینه های گسترش: کشت کونار در ولایت های بلخ و بدخشان در سال ۲۰۱۳



پاول فیشتین

دلو ۱۳۹۳



European Union

۱۲ سال
تحقیق باکیفیت



مترجم: خلیل احمد نوری

طرح و دیزاین: احمد سیر علمیار

کود نشریه: ۱۴۰۵D

© ۱۳۹۳، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله یی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۰۹۳ بدست آید.

در مورد نویسنده

پاول فیشستین (ماستر زراعت و منابع اقتصادی) رئیس سابق واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان که تجربه اش در مورد افغانستان به سال ۱۹۷۷ برمیگردد. وی در حال حاضر به عنوان مشاور مستقل کار میکند.

سپاسگزاری:

نویسنده از اسلام الدین همکی، فابریزو فوسکینی، دیوید منسفیلد و محمد ضیا بخاطر بازنگری ژرف پیش نویس این گزارش تشکر میکند. نویسنده هم چنان از کارمندان محلی و اعضای دفتر توسعه و تحقیقات پایدار (Sustainable Research and Development) سپاسگزاری میکند، آنانیکه در محل کار کردند و تحلیل و تجزیه کردند. از مدثر نظر از برنامه جهانی غذا بخاطر تحلیل و نقشه برداری برای فراهم کردن اطلاعات در مورد دستمزد و بهای مواد غذایی و از دلیپ واگ از شرکت Alcis Ltd. بخاطر تولید نقشه سپاسگزار است.

پاول فیشستین

فبروری ۲۰۱۴

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مؤسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرز العمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش آموزان زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده های آن متشکل از هیأت مدیره، تمویل کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می باشد. این واحد بیشتر از سوی دولت های فنلند، سویدن و سوئیس پشتیبانی مالی می شود.

در سال ۲۰۱۴ میلادی پروژه های مشخصی از سوی کمیسیون اروپا (EC)، اداره توسعه و همکاری سوئیس (SDC)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، پوهنتون آسیای مرکزی (UCA)، بانک جهانی، انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، همکاری های تکنیکی آلمان (GIZ) و سفارت فنلند تمویل میگردد.

این تحقیق با حمایت مالی اتحادیه اروپا صورت گرفته است. مسولیت محتوای این پژوهش به دوش AREU بوده و به هیچ صورت مواضع اتحادیه اروپا را منعکس نمی نماید.

خلاصه:

در کل پیش بینی میشود که پس از سال بحرانی ۲۰۱۴، زمانی که نیروهای نظامی بین المللی جنگی از افغانستان بیرون میشوند و این کشور رئیس جمهور آینده اش را انتخاب میکند، کشت کوکنار افزایش قابل توجهی خواهد یافت. در سال های ۲۰۱۲-۱۳ در سطح ملی، میزان ساحات زیر کشت کوکنار برای سه سال پیهم در حال افزایش بود و تولید مجموعی تریاک به گونه چشمگیری افزایش یافت. با ثبت ۴۱۰ هکتار زمین کشت کوکنار در این ولایت، بلخ برای نخستین بار از سال ۲۰۰۷ بدینسو دیگر در جمع ولایت های "عاری از کشت کوکنار" نیست، باوجود گزارش های در مورد محو ساحات وسیعی در ولایت، بدخشان شاهد ۲۳ درصد افزایش ساحات کشت بود.

نتایج یک تحقیق در ماه می ۲۰۱۳ در دو ولسوالی (چمتال و بلخ) ولایت بلخ و ولسوالی های (خاش و جرم) ولایت بدخشان قرار زیر است.

- **وسعت کشت / محو کشتزار ها:** در ولایت بلخ کشت کوکنار متمرکز در ساحات ناامن بوده است. کمپاین محو کشتزار ها از سوی دولت در مقایسه به سال های قبل نیرومند تر بود. در این مدت گزارش شد که ۸۰ هکتار کشتزار کوکنار محو شد، بانکه در برخی محلات این کمپاین پس از برداشتن محصولات ابتدایی اجرا شد. کمپاین آگاهی دهی دولت در رساندن پیام مبارزه با مواد مخدر موفق بود، اما زیاد روشن نیست که بزرگان محلی تا چه حدی به برنامه مبارزه با مواد مخدر متعهد هستند و اینکه کمپاین در کاهش کشت کوکنار تا چه حد موثر بوده است.

در بدخشان کشت کوکنار به شکل پراکنده در سراسر ولایت باقی بودی، حالآنکه بیشترین کشت در هفت ولسوالی از جمله ۲۸ ولسوالی متمرکز بوده است. در حالیکه آمار رسمی نشان میدهد که محو کشتزار های کوکنار به گونه چشمگیری در سال ۲۰۱۲-۱۳ افزایش ۵۷ درصدی داشته، اما دشوار است که این رقم را با اثرات آن در محل و محو ناتمام کشتزار ها مطابقت داد که به نظر میرسد که اثر کمتری و یا هیچ تاثیری بر برخورد کشاورزان نداشته است. تقریباً تمامی خانواده های که در سروری شامل اند، مقدار کشت کوکنار را در مقایسه به سال گذشته بیشتر ساخته و یا هم به همان اندازه حفظ کرده اند. پاسخ دهندگان دلیل تصمیم شان به بازگشت به کشت کوکنار را پرداخت قرضه های شان، عدم محصولات دیگر و گزینه های غیر زراعتی و کندی در برنامه پیش بینی شده محو کشتزار های کوکنار نسبت میدهند.

- **امنیت:** در برخی ساحات قبلاً ناامن بلخ، تحکیم امنیت و در برخی محلات موجودیت پولیس محلی افغان و جاده های تازه ترمیم شده، زمینه بهتر دسترسی به مارکیت را فراهم کرده که این همه مرتبط به توسعه کشت سبزیجات و دیگر محصولات نقدی بوده است. وضعیت امنیتی در بسیاری از ساحات ولایت بدخشان به ویژه در منطقه کلیدی وردوج بدتر شده است. باوجود دورنمای سیاسی متلاشی شده بدخشان، مشکل است که ناامنی را باوجود جنگ های محلی، رقابت و ترکیبی از شورشیان و موجودیت زورمندان و جنایتکاران، یک عامل دانست.

- **اهمیت تنوع محصولات زراعتی و عواید غیرزراعتی:** بسیاری خانواده ها در بلخ که از وضعیت بهتر اقتصادی زندگی شان گزارش شده، آن را به ترکیبی از توسعه محصولات و قیمت محصولات نقدی و کار های غیر زراعتی نسبت داده اند. برخی از خانواده ها گزارش شده که از پول محصولات شان، دارایی های کارآمدی را خریداری کرده اند. باوجود حاکمیت قیمت های پایین در زمان حاصل برداری، نرخ بلند ترانسپورت، اختلال مارکیت به دلیل مسدود بودن شاهراه سالنگ و امراض و آفات نباتی سبب ادامه محدود بودن دریافت کشاورزان شده است. کارگران روزمزد در شهر مزار گفته اند که باوجود تقاضا به کارگر مزد شان کاهش یافته است که با انقباض اقتصاد محلی و ملی به شمول سکتور ساختمانی که منبع مهم استخدام است، همسان است.

- نبود گزینه های دیگری در بخش زراعت در بدخشان، اقلیم، موقعیت جغرافیایی و دور افتاده، عدم دسترسی کشاورزان به مارکیت، مشکل اصلی شمرده میشود. مانند بلخ، کارگران در فیض اباد و خانواده ها در خاش و جرم از کاهش دسترسی به کار های ساختمانی گزارش کرده اند. بانک شواهدی وجود دارد که کشت کونار، زمینه کار را در بخش درو علف های هرزه، حاصلبرداری و نشتر زدن ایجاد کرده است.

بانهم این یافته ها باید در زمینه های کاری با دقت تعمیم یابد، به ویژه در بدخشان که آنان از عدم عواملی سخن میگویند که باعث کاهش کشت کونار در دراز مدت با احتمال نرخ پایین تریاک میشود.

ترکیبی از محو با استفاده از زور و استخدام در کار های غیر زراعتی در اقتصاد متکی به کمک (به طور مثال در شهر مزار) در آینده ثبات نخواهد داشت. در بخش امنیت استفاده از جبر و تهدید برای حفظ وضعیت در فضای بی ثبات و رقابت سیاسی که پس از سال ۲۰۱۴ حاکم خواهد شد، کار بسیار دشوار است، زمانیکه دولت و یا هم نمایندگانش خواهان وضع کردن اجباری سیاست های ناخوشایند بر اجتماعات بی علاقه و غیرهمکار به ویژه در جریان سال برگزاری انتخابات خواهند بود. کاهش ۲۴ درصدی در ۲۰۱۲-۱۳ در مقایسه به سال قبل و همچنان تاکید وزارت مبارزه با مواد مخدر از " همکاری ضعیف" ارتش ملی و پولیس ملی افغانستان احتمالاً نشاندهنده عزم بر کاهش است. در عین حال تخریب در محلاتی که منافع سیاسی و دیگر منافع رهبران قدرتمند حاکم است، ادامه خواهد داشت. در محلاتی (مثل چمتال) که امنیت از طریق توافقات غیررسمی و یا هم جابجایی پولیس محلی افغان حفظ شده، به دلیل زیر سوال قرار داشتن و ندرتاً عدم وفاداری زورمندان محلی در معرض بی ثباتی قرار دارند.

از بعد اقتصادی، انقباض اقتصاد ملی ناشی از تورم (کاهش قیمت ها) به دلیل نبود اطمینان لازم برای سرمایه گذاری و مصرف، بیشتر سبب کاهش فرصت های کاری در بخش های غیرزراعتی برای افراد بیکار و یا هم کارگر در مناطق روستایی میشود. با توجه به وضعیت حیاتی توافقنامه امنیتی میان افغانستان و امریکا، در کمک های مالی بین المللی کاهش اجتناب ناپذیر واقع خواهد شد که باعث کاهش در حمایت مالی خواهد شد که سبب شریک ساختن سرمایه و به نظر شماری نوعی امنیت را " خریداری" است. جستجو برای منابع حمایتی برای جاگزینی حمایت های بین المللی ممکن منجر به جنایتکاری و رقابت روی منابع مشروع و نیمه مشروع و همچنان پیگیری کشت، تولید و تجارت مواد مخدر شود. علاوه بر این ناامنی سبب افزایش آگاهی خطرات مربوط به مارکیت به کشاورزان میشود که احتمالاً سبب دلسردی آنان در تولید محصولات مشروع که درآمد آن بستگی به تامین امنیت و موثریت مناسب نهاد ها و مارکیت دارد و همچنان باعث ترغیب محصولاتی میشود که در غیاب این فاکتور ها رونق مییابد. در آخر، " دام مصون" - " safety net" که توسط مهاجران در ایران و پاکستان فراهم شده، به دلیل وضعیت سیاسی و کاهش نسبی ارزش اسعار کشور های همسایه کمتر توجهی کسی را جلب میکند و ممکن ارزش آن بیشتر کم شود، و همچنان حوادث جدی در کابل و جاهای دیگر، سبب خواهد شد تا همسایگان به شدت مردم را از مهاجرت دلسرد سازند.

در حالیکه به نظر میرسد وضعیت نامعلوم سیاسی و فضای امنیتی ناخوشایند ترین وضعیت باشد، بانهم در برخی محلات شواهد مبنی بر افزایش ارتباط مارکیت و جمع اوری عواید ناشی از محصولات نقدی و استخدام در بخش های غیر زراعتی وجود دارد. به منظور توانمند ساختن خانواده ها با ظرفیت بالاتر، ساحاتی با مصونیت بیشتر برای دسترسی به مارکیت و آب برای ساختن زندگی برای شان، موانع ساختاری و بیولوژیکی برای محصولات مارکیت مشروع باید مد نظر گرفته شود تا میزان خطر در برابر کشاورزان را کاهش داد، حتی برای آنانیکه در محلات امن تر، از افات و امراض در امان هستند و از وضعیت بهتر جاده و امنیت نسبی و دسترسی به مارکیت های خارجی بهره مند هستند. در غیر آن بی ثباتی در زمان پیشرو خطر آن را افزایش میدهد که کشاورزان به کشت غیرمشروع رو بیاورند که وابسته به وضعیت مارکیت در یک مقطع زمانی نیست.

خلاصه و نتیجه گیری

تحقیق انجام شده در ماه می ۲۰۱۳ در چار ولسوالی ولایت بلخ و بدخشان، نتایج زیر را بدست آورد.

بلخ

- در ولایت بلخ کشت کوکنار وابسته به ناامنی و محلات بیرون از کنترل دولت است. امنیت در محلات تحت تحقیق ولسوالی های چمتال و بلخ در ۲۰۱۲-۱۳ در حال رشد گزار شده، به ویژه در چمتال به دلیل اعزام نیروهای پولیس محلی افغان، با وجود آنکه مصاحبه شوندهگان در محل نگرانی شان در مورد مسیر کاری پولیس محلی افغان ابراز داشتند و آیا اینکه این نیروها در نهایت در ناامنی دست خواهند داشت. نقش پولیس محلی افغان در کار مبارزه با مواد مخدر هنوز مبهم است.
- کمپاین محو کشتزار های کوکنار که در زمان انجام این تحقیق ادامه داشت، در مقایسه به سال های گذشته نیرومند تر توصیف شده است. کمپاین آگاهی دهی دولت نیز در حال توسعه است، اما تعهد بزرگان برای تخریب کشتزار ها از یک روستا تا روستای دیگر در حال تغییر است که ظاهراً وابسته به روابط شخصی و گفتگو هاست. با وجود کمپاین تخریب و آگاهی دهی، ۴۱۰ هکتار زمین زیر کشت کوکنار در ولسوالی چمتال ثبت شده، در حالیکه این ولسوالی در سال ۲۰۰۷ لقب "عاری از کشت کوکنار" را داشت.
- از میان نمونه های محدود، سه چارم هر خانواده در چمتال که در ۲۰۱۱-۱۲ کوکنار کشت کرده بودند، این رقم در ۲۰۱۲-۱۳ افزایش یافته است. هیچ یک از این خانواده ها محو کشتزار های شان را در ۲۰۱۱-۱۲ تجربه نکردند اما امسال هر خانواده شاهد تخریب مزارع کوکنار بودند. به دلیل اجرای کمپاین روشن نیست که این خانواده ها چه مقدار تریاک را از دست داده اند.
- توسعه امنیت و بازسازی جاده ها سبب دسترسی بهتر به مارکیت شده، بانکه گفته شده کرایه ترانسپورت در چمتال بالاست و بهای فروش محصولات پایین. در هر دو بخش، قیمت پایین محصولات به دلیل عدم دسترسی به سردخانه ها و همچنان اختلال مارکیت به دلیل بسته بودن شاهراه سالنگ، اثرات بدی داشته است. خانواده های که به کشت گندم در ۲۰۱۲-۱۳ رو آوردند، از آفات زراعتی نام برده اند (مثلاً آفت تربوزه) و دشواری در رساندن محصولات شان به بازار را از عوامل کلیدی تصمیم شان عنوان میکنند.
- کشت سبزیجات در میان خانواده های در چمتال که با آنان مصاحبه شده به گونه چشمگیری توسعه یافته است. در بلخ، کاهش در کشت سبزیجات در میان خانواده به شکل گوناگون به ناتوانی در بدست آوردن زمین، حاصل کم، ارزش محصول در مقایسه به پنبه و دشوار بودن دسترسی به مارکیت نسبت داده میشود. بسیاری خانواده ها که وضعیت اقتصادی شان توسعه یافته، این رشد را به حاصلات بهتر، پول از محصولات نقدی و همچنان کار در بخش های غیر زراعتی نسبت میدهند. آنانیکه وضعیت اقتصادی شان رو به بدتر شدن گزارش شده، این وضعیت را ناشی از تکانی بر خانواده و یا هم ضعف در محصولات نقدی مثل تربوز میدانند.
- شواهدی وجود دارد که عواید محصولات نقدی سبب شده تا این خانواده ها دارایی های مولد مثل موتر و زرنج بخرند که سبب تولید عواید غیر زراعتی میشود.
- کارگران روزمزد که در مزار با آنان مصاحبه شده، از کاهش در مزد و دسترسی به کار روزمره سخن گفته اند که حاکی از انقباض در آنچه که نیروی اقتصاد روستایی بوده، است. به ویژه کار ساختمانی که منبع استخدام برای جمعیت بیکار و در حال کار در روستاهاست. یگانه استثنا، افزایش در مزد کار های زراعتی گفته شده است.

بدخشان

- برخلاف بلخ، در ولایت بدخشان کشت کوکنار در تمامی و یا بیشتر ولسوالی های آن به شمول جرم و خاش دو ولسوالی زیر تحقیق به شکل پراکنده ادامه داشته است.
- وضعیت امنیتی در بدخشان به شدت محدود است، اما در کل اوضاع امنیتی با چند حمله بزرگ به خصوص در منطقه کلیدی وردوج، در این ولایت بدتر شده است. امنیت در جرم در مقایسه به سال های ۲۰۱۱-۱۲ خراب تر شده که قسمتی آن به وضعیت در ولسوالی همسایگی آن وردوج برمیگردد. مشکل است که ناامنی را به یک عامل و یا عواملی نسبت داد، بلکه این وضعیت بستگی به جنگ های محلی و رقابت ها و تقابل منافع زورمندان ملی و جنایتکاران دارد.
- بر اساس گزارش های اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد و وزارت مبارزه با مواد مخدر، کمپاین محو کشتزارهای کوکنار در بدخشان در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به گونه چشمگیری رشد داشته است. در سال ۲۰۱۳ محو کشتزارها ۵۷ درصد افزایش داشته است که بزرگترین رقم در میان تمامی ولایات است. خیلی دشوار است که آمار رسمی در مورد محو کشتزارها را با توضیحات مصاحبه شوندگان در مورد ضعف این کمپاین در جرم و خاش تطابق داد. در واقع گزارش نهایی اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد و وزارت مبارزه با مواد مخدر در مورد محو کشتزارهای کوکنار نشان میدهد که چگونگی اجرای این کمپاین در بدخشان (وولایات مشخص دیگری مثل قندهار، ارزگان و ننگرهار) "خیلی ضعیف" بوده و تنها ۹۲۶ هکتار زمین (یک سوم تمام رقم) از وجود کوکنار پاکسازی شده است. در ولایت بلخ، کمپاین آگاهی دهی نشاندهنده سیاست دولت و پیامدهای احتمالی نقض آن بوده است، اما به نظر میرسد که در این میان عدم تعهد بزرگان محل وجود داشته است، بزرگانی که خود میگفتند کوکنار کشت میکنند و نمیتوانند برخلاف میل اجتماع گام بردارند. باوجود اجرای کمپاین محو با استفاده از زور و کمپاین آگاهی دهی، کشت کوکنار در این ولایت در سال ۲۰۱۲-۱۳ شاهد ۲۳ درصد افزایش بود، چنانکه در سال های قبل این رقم به ۱۳ درصد افزایش میرسید.
- به نظر میرسد که کمپاین محو و آگاهی دهی در مناطق تحت سروی، هیچ تاثیر و یا هم اثرات اندکی بر برخورد کشاورزان داشته است. به استثنای یک مورد که تمامی مصاحبه شوندگان گفته اند که در این کمپاین سهم گرفته و یا هم آن را اجرا کرده اند و زمین های که دور از جاده را که به افراد واسطه دار متعلق اند، از چشم افتاده اند. نتیجه مصاحبه ها نشان میدهد که کشاورزان میزان مورد نظر محو کوکنار را در مزرعه های شان اجرا کرده اند.
- تغییر اصلی ناشی از برگزیدن انتخاب ها در میان خانواده های سروی شده، توسعه ساحات زیر کشت کوکنار بوده است: از جمله سی خانواده در دو محل، ۲۷ آن رشد داشته است و از جمله بیست خانواده که در ۲۰۱۱-۱۲ کوکنار کشت کرده بودند، ۱۷ آن یا کشت کوکنار را افزایش داده و یا هم به اندازه قبل حفظ کرده اند. در میان ۳۰ خانواده، زمین های زیر کشت کوکنار ۴۵ درصد افزایش یافته است. مصاحبه شوندگان دلیل این تصمیم شان را به درآمد بالای کوکنار، نبود گزینه های دیگر چه در بخش زراعت و یا غیرزراعتی، نیاز به پراخت قرصه و چگونگی کمپاین محو کشتزارها نسبت داده اند. شماری از خانواده ها گفته اند که به نظر آنان "هر کسی" کوکنار کشت میکند.
- همچنان تعداد خانواده های که کچالو کشت کرده اند، و زمینی را که برای کشت کچالو اختصاص داده اند نیز افزایش داشته است.
- کشاورزان عدم دسترسی به مارکیت را به بزرگترین مانع برای رشد کشت مشروع عنوان کرده میگویند انتقال پر هزینه آن توسط حیوانات بخشی از محصول خراب میشود. بر علاوه اینها، وضعیت آب و هوا، زیربناها، موقعیت و مشکلات جغرافیایی از موانع اصلی در بخش زراعت در بدخشان است.

- علت اصلی قیمت پایین تریاک در سطح روستاها، عدم علاقمندی تجار به خرید آن است که آنهم نسبت داده شده به بیم از توقیف تریاک توسط پولیس و احتمال فروش دوباره آن.
- عواید ناشی از کارهای غیرزراعتی، بخش مهمی از عواید زندگی است. بانک کارگران روزمزد در فیض آباد و خانواده‌ها در محلات زیر سروی گفته‌اند که دسترسی به کار کمتر شده است، امریکه سبب کاهش فعالیت‌های توسعه‌ای و مهاجرت به ایران را کاهش داده است. باوجود افزایش در آگاهی دهی از خطرات پیوستن به صفوف ارتش ملی و پولیس ملی افغان، این امر هنوز یک گزینه است. شواهدی وجود دارد که کشت کوکنار زمینه کار را برای مردان و زنان در زمان برداشتن گیاه‌های هرزه، حاصل برداری و نشتر زن فراهم کرده است.

پیشنهادات

بانکه یافته‌های بالا محدود به یک سال و منحصر به چند موقعیت است، بناءً نباید در مورد محلات بیرون از سروی به کار برده شود اما ممکن به عنوان پیشنهادی برای تمامی افغانستان در نظر گرفته شود. در ولایت بلخ جاگزینی برای کشت کوکنار در سال ۲۰۰۷ ناشی از استفاده از زور و دسترسی به کارهای غیرزراعتی در شهر مزار بوده است. این هر دو عامل ممکن در آینده نزدیک مورد سوال قرار گیرد. در واقع بیرون شدن ولایت بلخ از ردیف ولایت‌های عاری از کشت کوکنار برای نخستین بار در سال ۲۰۰۷، گویای وضعیت آینده این ولایت باشد. در عین حال خوب است دید که اداره ولایتی چگونه کمیاين نیرومند محو کشتزارهای کوکنار را در سال ۲۰۱۲-۱۳ اجرا کرد، انگیزه ان دستیابی دوباره به لقب "عاری از کشت کوکنار" بوده و یا دلسرد ساختن رقبای که با نفوذ نیروی سیاسی در محل، مرتبط با اقتصاد ناشی از تریاک در غرب شهر مزار، تقویت شده‌اند. در ولایت بدخشان، در حالیکه این ولایت به نزدیک به عاری از کشت کوکنار در سال ۲۰۰۷ گزارش شده، نوسانی در تولید سالیانه در ۱۴ ولسوالی این ولایت موجود بوده است. در سال‌های اخیر به نظر میرسد که تلاش‌های جدی و محکمی برای سرکوب کشت کوکنار وجود داشته است. به نظر میرسد این روش کار روی محو کشتزارهای کوکنار همزمان با دتر شدن وضعیت امنیتی نشان میدهد که این ولایت احتمالاً شاهد افزایش در کشت کوکنار خواهد بود.

در عموم، دشوار است عاملی را پیدا کرد که سبب کاهش کشت کوکنار در دراز مدت در این ولایت باشد، به استثنای احتمال قیمت پایین تریاک که در هر گونه شرایطی، موقتی خواهد بود. در بعد امنیتی، استفاده از جبر و تهدید که بخش اعظم تخریب بر اساس آن صورت میگردد، دشوار است که در شرایط بی ثبات که انتظار میرود در جریان و یا هم پس از انتقال امنیتی در سال ۲۰۱۴ رونما گردد، حفظ شود. در چنین شرایطی هر گونه تلاش برای کاهش، منجر به افزایش کشت خواهد شد. در فضای رقابت سیاسی که احتمالاً بر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ ایجاد خواهد شد، جدا از قابلیت‌ها، وضع کردن سیاست‌های ناخوشایند بر اجتماعات، تصور انگیزه‌ها کار دشوار است. در ساحات زیر کشت کوکنار، طالبان سهم مثبتی در توانایی برای کشت داشته است. که احتمالاً به معنی معامله ایست که برای رسیدن به یک هدف سیاسی (مثلاً امنیت) سیاست دیگری را (مبارزه با مواد مخدر) را اجرا کرد. این موارد را خصوصاً در ساحاتی مثل چمتال شاهد بود، جاییکه توسعه امنیت آن به دست نیروهای پولیس محلی افغان است، نیروهای که وفاداری و پابندی شان در درازمدت، زیر سوال قرار دارد. IMU و دیگر گروه‌های شبه نظامی منطقه‌ای ممکن در تولید و قاچاق مواد مخدر به عنوان منبع تمویل فعالیت‌های شان سهم داشته باشند. کاهش ۲۴ درصدی کاهش در محو کشتزارهای کوکنار از سال ۲۰۱۱-۱۲ میتواند گویای آن باشد که دولت افغانستان و جامعه جهانی سرگرم مسایل دیگری شده‌اند.

در بعد اقتصادی، اقتصاد ملی که به دلیل کاهش در مصارف بین‌المللی و عدم اطمینان برای سرمایه‌گذاری انقباض میکند، میتواند فرصت‌های کاری محدود غیرزراعتی را در محلات شهری ایجاد کند که میتواند به زندگی بسیاری خانواده‌ها در روستاها کمک کند. با چند فرصت اندک کاری، خانواده‌ها میتوانند به زراعت رو بیاورند که در ان صورت فشار روی یک محصول بیشتر شده و تحت شرایطی میتواند خیلی موثر واقع گردد. کشاورزان در مناطق کم آب مثل ساحات اخیر و پایین چمتال به خاطر نرخ فزاینده مواد سوخت زیر فشار گیرند، امری که سبب ترغیب آنان به کشت کوکنار خواهد شد. این محصول میتواند مصارف چاه آب را جبران کند.

صرف نظر از وضعیت نامعلوم پیمان امنیتی میان افغانستان و امریکا، کاهش انکار ناپذیری در کمک‌های مالی بین‌المللی واقع خواهد شد که سبب کاهش در امور ساختمانی و حمایتی میشود که سبب تقسیم سرمایه شده است. این امر تأثیراتی خواهد

داشت که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم منجر به افزایش کشت کوکنار میشود. با کاهش کمک های مالی، تلاش ها برای یافتن منابع دیگری برای حفظ قدرت (به شمول نیروهای محلی غیرقانونی مثل پولیس محلی افغان) آغاز خواهد شد و منجر به جنایتکاری و رقابت شدید روی منابع مشروع و نیمه مشروع (معادن غیررسمی) خواهد شد. با کاهش کمک ها، ولایت های شمالی و مرکزی در مقایسه به ولایت های جنوبی و شرقی کمتر متاثر خواهند شد اما تمامی ساحات از کاهش مستقیم و یا غیرمستقیم مصارف و همچنان کمتر شدن فعالیت های اقتصادی ناشی از نگرانی ها در مورد بی ثباتی سیاسی، متاثر خواهند شد.

یکی از طرق دیگر زندگی مصون روستایی- مهاجرت به هدف کار به ایران و پاکستان، به دلیل قضای سیاسی در این دو کشور و همچنان پایین آمدن نرخ تومان ایرانی و احتمال بدتر شدن وضعیت ناشی از جنگ در کابل و جاهای دیگر، کمتر توجه را جلب میکند.

چنانکه وضعیت امنیتی و سیاسی در بالا توضیح داده است، به نظر میرسد که شرایط برای معرفی سیاست های جدید نامناسب است، به خصوص سیاست های که با مشوق های سختگیرانه که با انتقال ۲۰۱۴ ایجاد و یا رشد کرده، مطابقت ندارد. باوجود این همه، در برخی جاها (ساحاتی در بلخ) شواهدی وجود دارد که مارکیت های مربوط به پول های ذخیره ناشی از عواید محصولات نقدی و کار های غیرزراعتی در حال افزایش است. برای تقویت خانواده ها با ظرفیت بالاتر، فضای مصونتر با دسترسی بهتر به ترانسپورت، مارکیت و آب به منظور ساختن زندگی شان، موانع اداری و محیطی برای کشت مشروع و کاهش ریسک به کشاورزان را مد نظر داشت، کشاورزانی که حتی در محلات مصونتری با تهدید امراض و آفات نباتی، عدم دسترسی به جاده، امنیت نسبی و مارکیت های خارجی مواجه هستند. واضح نبودن دوره پیشرو، خطر رو آوردن کشاورزان به کشت نامشروع را افزایش میدهد، محصولی که زیاد به وضعیت مارکیت وابسته نیست.

۱۳ سال

تحقیق باکیفیت



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
از چهار راهی حاجی یعقوب به
سمت چهارراهی شهید
(خانه ۱۴۴ (سمت راست) سرک ۳ (سمت چپ
شهر نو، کابل، افغانستان
شماره تماس: ۷۹۹ ۶۰۸ ۵۴۸ (۰) ۰۰۹۳
ایمیل: publications@areu.org.af
وب سایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه انترنتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به
آدرس ذیل بدست آورید.